



اعمال آن تغییرات در سال ۹۴ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. در لایحه‌ای که تصویب شد اگر چه موضوع اطلاعات اقتصادی آمده است اما ماده مالیات بر مجموع درآمد در آن حذف شده است! من معتقدم این لایحه باید ادامه پیدا می‌کرد و ما به این سمت که اطلاعات اقتصادی افراد باید به طور دقیق جمع‌آوری شود حرکت می‌کردیم، کاری که البته تا امروز نکرديم! شما می‌دانید گروه‌های قدرتمند حاضر نیستند اطلاعاتشان را ارائه کنند، بنابراین اجرای چنین طرحی ممکن است مشکلات سیاسی ایجاد کند. این گروه‌ها یا قدرت اقتصادی و سیاسی دارند یا به دلایلی حاضر نیستند اطلاعات درآمدی و هزینه‌هایشان شفاف شود که البته این موضوع یک مسأله تاریخی در ایران است که دولت‌های مختلف باید روی این موضوع به عنوان یک برنامه اصلاحی تأکید کنند. ما تا نتوانیم چنین نظامی را ایجاد کنیم نخواهیم توانست طرح‌های هدفمندی را دقیق انجام دهیم. به نظرم دولت آقای روحانی روی این موضوع و اصلاح آن تأکید لازم را نداشت.

■ سال ۹۴ چه اصلاحات یا مواردی از لایحه مالیاتی مصوب مجلس حذف شد؟

من در جریان جلسات سال ۹۲ به بعد نیستم. ولی سال ۸۹ که قانون مالیات‌های مستقیم را بررسی می‌کردیم، آقای طیب نیا با دعوت من به عنوان یکی از افراد صاحب‌نظر اقتصاد بخش عمومی در این جلسات شرکت می‌کرد. آن زمان دیدگاه عموم صاحب‌نظران این بود که مالیات بر جمع درآمد باید در لایحه دیده شود، از این‌رو ما هم آن را حذف نکردیم، اما به یاد دارم آقای طیب‌نیا آن زمان هم نقدهایی به مالیات بر جمع درآمد داشت که ممکن است از آنجا که او در سال ۹۲ به بعد وزیر اقتصاد بوده این موضوع از لایحه حذف شده باشد، البته بهتر است جزئیات حذف و دلایل را از خود ایشان سؤال بفرمایید.

■ چرا افراد تحت حمایت نهادهایی مثل کمیته امداد و سازمان بهزیستی را به عنوان خوشه اول در نظر نگرفتید؟ هم کار راحت‌تر و اعتراضات کمتر می‌شد و هم نیازمندی این افراد اثبات شده بود.

برای اجرای این کار باید به این سؤال پاسخ دهیم که آیا همه افراد نیازمند یا افرادی که از اجرای این طرح آسیب خواهند دید مستمراً بگیر این دو سازمان هستند؟ دوم اینکه آیا تمام افراد مستمراً بگیر این دو نهاد برای همیشه از طبقات آسیب‌پذیر بوده و خواهند ماند؟ سوم اینکه طبقات متوسط را چکار می‌کردیم؟ نکته بعدی اینکه در کشورمان گروه‌های آسیب‌پذیری وجود دارند که در بخش‌های غیررسمی کار می‌کنند و خیلی هم آسیب‌پذیرند. با آنها باید چکار می‌کردیم؟

■ یارانه نقدی کمیته امداد و سازمان بهزیستی را به خود این نهادها دادید که توزیعش کنند؟ خیر، آنها فهرست افراد تحت پوشش خود را به سازمان هدفمندی یارانه‌ها ارائه کردند و سازمان هدفمندی هم یارانه آن افراد را پرداخت کرد. اجازه بدهید نکته‌ای را در اینجا توضیح

بدهم. اینکه طرح هدفمندی بتواند تمام مسائل پیچیده مربوط به فقر را در کشور حل کند انتظار اشتباهی است. هدفمندی یارانه‌ها در مرحله اول قرار بود خسارت یا هزینه‌های تحمیل شده به طبقه فقیر و متوسط را که در سال‌های نخست اجرای طرح از لحاظ معیشتی آسیب می‌دیدند جبران کند. این نوع پرداخت باعث ایجاد یک درآمد پایه اولیه برای طبقات فقیر جامعه بود. اما طبیعتاً فقر ابعادی متفاوت و البته سازمان‌های متولی خود را دارد. ضمن اینکه اجرای طرح هدفمندی در اواخر سال ۸۹ آغاز شد و دولت باید در این چند سال که بعد از عمر هدفمندی می‌گذرد، به این موضوعات ورود می‌کرد. ما آن زمان لایحه مالیات‌های مستقیم را تهیه کردیم و این بندها را هم در لایحه اصلاح مالیات‌های مستقیم گنجانیدیم و به عنوان یک لایحه به مجلس پیشنهاد کردیم. اسم آن لایحه هم «لایحه اصلاح مالیات‌های مستقیم» بود. لایحه‌ای که البته تا زمان دولت آقای روحانی در مجلس بررسی نشد! دولت آقای روحانی که روی کار آمد آقای علی طیب‌نیا وزیر اقتصاد شد. وی در آن لایحه تغییراتی ایجاد کرد و در نهایت این لایحه با

■ یارانه نقدی کمیته امداد و سازمان بهزیستی را به خود این نهادها دادید که توزیعش کنند؟ خیر، آنها فهرست افراد تحت پوشش خود را به سازمان هدفمندی یارانه‌ها ارائه کردند و سازمان هدفمندی هم یارانه آن افراد را پرداخت کرد. اجازه بدهید نکته‌ای را در اینجا توضیح

■ **هدفمندی یارانه‌ها نمی‌تواند تمام مسائل را حل کند**
برش
اینکه طرح هدفمندی بتواند تمام مسائل پیچیده مربوط به فقر را در کشور حل کند، انتظار اشتباهی است. هدفمندی یارانه‌ها در مرحله نخست قرار بود خسارت یا هزینه‌های تحمیل شده به طبقه فقیر و متوسط را که در سال‌های اول اجرای طرح از لحاظ معیشتی آسیب می‌دیدند جبران کند. این نوع پرداخت باعث ایجاد یک درآمد پایه اولیه برای طبقات فقیر جامعه بود. اما طبیعتاً فقر ابعادی متفاوت و البته سازمان‌های متولی خود را دارد.

کسی بود؟

در سال ۹۳ بخشی از کارهای هدفمندی یارانه‌ها در معاونت اجرایی و بخشی هم در سازمان مدیریت انجام می‌شد اما اینکه این طرح، ایده چه کسی بود را دقیق نمی‌دانم.

■ دولت مدعی است اطلاعات اقتصادی همه مردم را در اختیار دارد. مثلاً آقای احمد میدری، معاون وزیر کار در سال ۹۷ در جلسه‌ای صراحتاً مدعی شد دولت اطلاعات اقتصادی همه شهروندان را دارد و برای هر فرد ایرانی یک شناسنامه اقتصادی تشکیل داده است. وی در آن جلسه مدعی شد که دولت می‌داند هر ایرانی چند ملک یا خودرو دارد، حتی هر ایرانی که از خودپرداز پولی برداشت می‌کند دولت از آن اطلاع دارد. اولاً نظرتان درباره ادعاهای آقای میدری چیست؟ نکته دوم اینکه اتفاقاً چند وقت پیش شخصاً در جلسه‌ای از ایشان پرسیدم، از سال ۹۲ مدام می‌گویید حذف ثروتمندان از دریافت یارانه نقدی، اما چرا یارانه بگیران ثروتمند را حذف نمی‌کنید؟ او هم صراحتاً گفت «از اعتراضات و شکایت‌های مردم نگرانیم! برای مثال معاونت رفاهی که مسئول این کار است اگر یک میلیون نفر را از دریافت یارانه حذف کند، ۹۸ درصد این افراد اعتراض می‌کنند. اگر اعتراض کنند ما با ۱۰۰ کارمند نمی‌توانیم پاسخگوی این حجم از اعتراض‌ها و شکایت‌ها باشیم.» نظر شما در این باره چیست؟

نمی‌توانیم با آمار افراد را حذف کنیم، بلکه برای حذف افراد از دریافت یارانه باید پرونده به پرونده و فرد به فرد ورود کرده و وضعیت افراد را بررسی کنیم. جای انجام این کار هم در مجموعه وزارت رفاه نیست، بلکه جای اصلی آن در سازمان امور مالیاتی است. به نظرم دولت اشتباه می‌کند که این کار را به وزارت رفاه سپرده است. اگر یک پرونده مالیاتی به شما بدهند و طبق این پرونده به شما بگویند باید بابت فلان فعالیت اقتصادی

۱۰۰ میلیون تومان مالیات پرداخت کنید، شما اعتراض می‌کنید. در وزارت اقتصاد برای اینکه شما در هیأت بدوی و مراحل مختلف به این رأی اعتراض کنید یا مشاور مالیاتی بگیرید تشریفات قانونی وجود دارد که طی این فرایند شما توجیه می‌شوید باید این پول را بدهید یا نه؟ یارانه هم همین است.

بنابراین جای بحث درباره یارانه‌ها هم مثل مالیات در سازمان مالیاتی است نه در وزارت رفاه. ضمن اینکه وزارت رفاه وزارتخانه جدیدالتاسیسی است که اطلاعات اقتصادی چندانی ندارد اما در چند سال اخیر به اشتباه تلاش شده است که این کار به وزارت رفاه سپرده شود. من معتقدم هر وقت کار حذف ثروتمندان را به جای سازمان مالیاتی به وزارت رفاه بدهند، کار شکست می‌خورد. ما در ابتدای کار قصد داشتیم مرکز اطلاعات اقتصادی خانوارهای ایرانی را در مرکز آمار به وجود بیاوریم. یعنی مرکز آمار علاوه بر اینکه مرکز آمار است مرکز اطلاعات نیز باشد، چرا که آمار و اطلاعات با هم فرق دارند. ما می‌خواستیم مرکز آمار علاوه بر اینکه مرکز آمار است مرکز اطلاعات نیز باشد. اتفاقاً خیلی هم روی این موضوع کار کردیم. اصلاً به همین دلیل بود که طرح خوشه‌بندی و همه مسئولیت آن برعهده مرکز آمار گذاشته شد. اما در مرحله بعد، وقتی به مرحله اجرای طرح نزدیک بودیم و دیگر فرصت لازم برای اصلاح نداشتیم متوجه شدیم کارها و اقدامات ما موفق نبوده است.

بنابراین با خودمان گفتیم باید با خود انصرافی جلو برویم. منتهی چون لایحه را به مجلس داده بودیم،



بررسی فرد به فرد اطلاعات اقتصادی جامعه

برش

اگر شما بخواهید اطلاعات اقتصادی افراد را داشته باشید، مهم‌ترین محلش همین حساب‌های بانکی است چرا که عموم معاملات اقتصادی از طریق بانک‌ها صورت می‌گیرد. این کار در دنیا هم کاملاً مرسوم است. امروزه در دنیا کمتر با پول کار می‌کنند و عمده معاملات از طریق سیستم بانکی است. سازمان مالیاتی هم از طریق سیستم بانکی می‌تواند معاملات را رصد کند. طبیعتاً سازمان مالیاتی اگر اطلاعات بانکی شما را نداشته باشد، نمی‌تواند معاملات و فعالیت‌های اقتصادی شما را رصد کند. اصلاً به همین دلیل است که غربی‌ها می‌خواهند سیستم مالی ما را تحریم کنند چون می‌دانند اگر سیستم مالی ما را ببندند، سیستم تجاری ما هم دچار مشکل می‌شود و بعد از آن سایر سیستم‌ها هم دچار مشکل می‌شوند، پس سیستم مالی و بانکی در هر اقتصادی بسیار مهم است. دولت هم اگر بخواهد اطلاعات اقتصادی جامعه را داشته باشد، باید بتواند اطلاعات اقتصادی افراد را به صورت فرد به فرد بررسی کند.



به نظرم خودانصرافی نیازمند یک نظام تشویقی-تنبیهی با یک استراتژی

اطلاع‌رسانی مستمر است که تکرار می‌کند و افراد مختلف نیز راجع به آن اظهار نظر نمی‌کنند و مسائل نیز به فضای سیاسی کشیده نمی‌شود.

وقتی شما می‌گویید خودانصرافی، یعنی دولت در رفاه مردم ورود می‌کند، به بیان دیگر شما دخالت

دولت را می‌پذیرید،

وقتی دخالت دولت را

می‌پذیرید، این را هم باید

پذیرید که دولت نیاز به

اطلاعات دارد، چرا که هیچ

دخالتی بدون داشتن

اطلاعات صورت نمی‌گیرد

فکر می‌کردیم اگر مجلس لایحه را تصویب کند سال بعد براساس فرم‌های خوداظهاری که از درآمد و هزینه‌های افراد مختلف داریم می‌توانیم در سازمان امور مالیاتی بنشینیم و این افراد را از دریافت یارانه حذف کنیم.

با این حال متأسفانه این تجربه کنار گذاشته شد و دولت جدید مجدداً به سمت وزارت رفاه رفت و به جای اطلاعات، دوباره روی موضوع آمار تمرکز کرد. کاش دوستانی که در دولت آقای روحانی مسئولیت داشتند، از تجربیاتی که در دوران ما به دست آمده، مقداری استفاده می‌کردند و از ابتدا چرخ را نمی‌ساختند.

اما در مورد سؤال دوم شما، به نظرم آقای میدری درست می‌گوید. اگر الان مرکز آمار افراد را از دریافت یارانه حذف کند باید بتواند رضایت تک افراد حذف شده را کسب کند، چرا که افراد حذف شده اعتراض خواهند کرد و جویای دلایل حذف خود می‌شوند. شما هم باید دلیل حذف افراد را اثبات کنید، در حالی که مکانی که می‌توان این کار را آنجا انجام داد سازمان امور مالیاتی و نه مرکز آمار است. نحوه عمل در کشورهای اسکاندیناوی هم همین طور است، یعنی کسانی که مشمول تسهیلات اجتماعی می‌شوند افرادی هستند که در سیستم مالیاتی شناسایی می‌شوند.

■ نظرتان درباره سرک کشیدن به حساب‌های بانکی افراد برای شناسایی ثروتمندان چیست؟ حسن روحانی سال ۹۳ گفته بود با سرک کشیدن به حساب مردم مخالف است. اصلاً بحث سرک کشیدن از کجا آمد؟ این به اصطلاح سرک کشیدن در حساب‌های مردم قانونی است یا نه؟

بله، اگر دولت بخواهد اطلاعات اقتصادی همه افراد جامعه را داشته باشد، اولین اقدام بررسی حساب‌های بانکی و سرک کشیدن به حساب‌های بانکی افراد است. باید به این موضوع دقت کنیم که دولت محرم مردم است. قبول داریم که من نباید اطلاعات شما را داشته باشم یا شما قرار نیست از اطلاعات اقتصادی افراد باخبر باشید. اما دولت با من و شما فرق دارد. به نظرم صحبت‌های آقای روحانی در این زمینه که دولت نباید به حساب‌های مردم سرکشی کند، صحبت‌های صحیحی نبود. اتفاقاً اطلاعات اقتصادی جزو اطلاعاتی است که دولت‌ها باید به طور کامل داشته باشند. برای مثال اگر بخواهیم موضوع پولشویی را بررسی کنیم بدون داشتن اطلاعات اقتصادی چگونه می‌توان این کار را انجام داد؟ بالاخره یک نهادی باید روی جا به جایی مبالغ در حساب‌ها و مواردی چون پولشویی نظارت کند. اتفاقاً امروزه اگر شما بخواهید اطلاعات اقتصادی افراد را داشته باشید، مهم‌ترین محلش همین حساب‌های بانکی است چرا که عموم معاملات اقتصادی از طریق بانک‌ها صورت می‌گیرد و این کار در دنیا هم کاملاً مرسوم است.

امروزه در دنیا کمتر با پول کار می‌کنند و عمده معاملات از طریق

سیستم بانکی است. سازمان مالیاتی هم از طریق سیستم بانکی می‌تواند معاملات را رصد کند. طبیعتاً سازمان مالیاتی اگر اطلاعات بانکی شما را نداشته باشد، نمی‌تواند معاملات و فعالیت‌های اقتصادی شما را رصد کند. اصلاً به همین دلیل است که غربی‌ها می‌خواهند سیستم مالی ما را تحریم کنند چون می‌دانند اگر سیستم مالی ما را ببندند، سیستم تجاری ما هم دچار مشکل می‌شود و بعد از آن سایر سیستم‌ها هم دچار مشکل می‌شوند، پس سیستم مالی و بانکی در هر اقتصادی بسیار مهم است. دولت هم اگر بخواهد اطلاعات اقتصادی جامعه را داشته باشد، باید بتواند اطلاعات اقتصادی افراد را به صورت فرد به فرد بررسی کند.

■ برخی معتقدند سرآغاز عدم اصلاح یا توقف اصلاح ساختارهای معیوب اقتصادی از همین جمله «باید به حساب مردم سرک کشید» آغاز شد. در واقع این جمله کاری کرده که اصلاحات اقتصادی صورت نگیرد؟

طبیعی است وقتی آقای روحانی به عنوان رئیس جمهور ایران می‌گوید ما نباید به جزئیات اطلاعات بانکی ورود کنیم، این نگاه آسیب‌زادی به روند شناسایی خانوارها و درآمد خانوارها می‌زند. البته من جایی ندیدم این جمله از سوی دولتی‌ها تکرار شود. بالاخره دولت و رئیس جمهور هم ممکن است اشتباه کنند.

بنابراین فکر می‌کنم خودشان هم بعداً به این جمع‌بندی رسیدند که این کار و بیان این جمله اشتباه بوده است. اگر داناتان باشد زمانی که ما در دولت مالیات بر ارزش افزوده را اجرا کردیم، یکی از گروه‌هایی که با این موضوع به شدت مخالف بود، صنف طلافروش‌ها بود. نمی‌خواهم وارد این موضوع شوم که چقدر حق داشتند و چقدر حق نداشتند، اما یادم هست سازمان مالیاتی متوجه شد افرادی که اعتراض می‌کنند خودشان کمترین مالیات را می‌پردازند. این کار را از طریق چک کردن حساب‌های بانکی آنها می‌شود متوجه شد. بنابراین تا زمانی که مرادوات و فعالیت‌های پولی افراد در سیستم بانکی بررسی نشود، نمی‌توان به اطلاعات اقتصادی افراد رسید. نکته بعدی اینکه مجموعه کشور باید تلاش کند تا تمام معاملات اقتصادی از طریق سیستم بانکی صورت بگیرد.

مثلاً عده‌ای می‌گویند اگر این اتفاق بیفتد برخی پول‌ها را از بانک خارج می‌کنند، سؤال این است پول را از بانک خارج می‌کنند، به کجا می‌برند؟ مگر افراد دارای پول می‌توانند پول‌هایشان را به جای دیگری غیر از سیستم بانکی ببرند؟ این تصورات غلط است. چرا که بالاخره این پول یک جایی در سیستم بانکی است. ما باید بتوانیم با اعمال دقیق قوانین حساب‌های بانکی افراد را هم برای اهداف پولشویی و هم برای اهداف مالیاتی بررسی کنیم. بالاخره دولت باید بتواند از افرادی که در کشور زندگی می‌کنند به طور عادلانه مالیات بگیرد. طبیعتاً اگر ورودی‌های دقیقی نداشته باشیم، فرارهای مالیاتی نیز افزایش پیدا می‌کند.